



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMENT

Volume No.: 3, Issue No.: 45, Dec 2023

P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

The effect of the performance of the dispute resolution council on the delay of proceedings in legal and criminal cases

Hossein Mokhtari Baghkomeh

Abstract

One of the problems that Iran's judicial system is dealing with is the delay of proceedings and its problems. If we want to examine the background of this problem, we must go back to the same time when the judicial system and courts of Iran were established. This problem not only hurts and bothers the parties of a lawsuit or complaint, but also causes the employees and judges of the system to suffer. . One of the factors that caused the delay of the proceedings and it can be said that it is the most important factor Its creation is also due to the large number of cases presented in judicial authorities. The problem of delaying the proceedings in the judicial system of our country must be solved by the head of the judiciary and a good solution should be thought out to solve it. Other factors that may cause the delay of the proceedings in the case are the actions of the litigants and Failure to obtain a lawyer or consult with legal counsel. The purpose of this research was to investigate the effect of the dispute resolution council on the delay of proceedings in legal and criminal cases, which was done descriptively and quantitatively. Reducing the delay of proceedings and peace and compromise between the parties are other goals of these councils. including merits Dispute resolution councils: reducing people's referrals to judicial courts, resolving local disputes, resolving matters that are not of a judicial nature or of less judicial nature, preventing the prolongation of cases, non-observance of procedural formalities, peace of conscience, Preservation of client personality and disadvantages of dispute resolution councils: the principle of judicial independence, the principle of judicial immunity, the principle of judge expertise, the compulsion to refer to these councils, the selection of members of the councils, the ability to change the members of the dispute resolution council.

Keywords: dispute resolution council; Procrastination of proceedings, legal and criminal cases.

تأثیر عملکرد شورای حل اختلاف بر اطاله دادرسی در پرونده‌های حقوقی و کیفری

حسین مختاری باغمکه^۱

چکیده:

از مشکلاتی که سیستم قضایی ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند اطاله دادرسی و مشکلات آن است. اگر بخواهیم پیشینه این مشکل را مورد بررسی قرار دهیم باید برگردیم به همان زمانی که سیستم قضایی و دادگاه ایران تاسیس شد. این مشکل نه تنها طرفین یک دعوی یا شکایت را رنج داده و کلافه می‌کند، بلکه باعث آزار خود کارکنان و قضات سیستم نیز می‌شود. از عواملی که باعث اطاله دادرسی شده و می‌توان گفت که مهم‌ترین عامل ایجاد آن هم است، کثرت و زیادی پرونده‌های مطروحه در مراجع قضایی است. مشکل اطاله دادرسی که در سیستم قضایی کشور ما ایجاد شده است باید از سوی رئیس قوه قضاییه حل شود و برای حل آن به خوبی چاره اندیشی بشود. از دیگر عواملی که ممکن است موجب اطاله دادرسی در مورد پرونده شود، سرخود عمل کردن طرفین دعوی و عدم اخذ یک وکیل یا مشورت با مشاور حقوقی است. هدف از این پژوهش بررسی، تأثیر عملکرد شورای حل اختلاف بر اطاله دادرسی در پرونده‌های حقوقی و کیفری، بود که بصورت توصیفی و کمی انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از تایید سوالات پژوهش بود و در این راستا شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور تشکیل شد. کاهش اطاله دادرسی و صلح و سازش بین طرفین از دیگر اهداف این شوراهاست. از جمله محاسن شوراهای حل اختلاف: کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی، رفع اختلافات محلی، حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد یا از ماهیت قضایی کمتری برخوردار است، جلوگیری از طولانی شدن رسیدگی به پرونده‌ها، عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی، آرامش وجدان، حفظ شخصیت ارباب رجوع و معایب شوراهای حل اختلاف: اصل استقلال قضایی، اصل مصونیت قضائی، اصل تخصص قضایی، اجبار برای مراجعه به این شوراهای، انتخابی بودن اعضای شوراهای، قابل تغییر بودن اعضای شورای حل اختلاف می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شورای حل اختلاف؛ اطاله دادرسی، پرونده‌های حقوقی و کیفری.

مقدمه:

اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت‌گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده‌ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است (صفایی، 1440). منظور از «اطاله» طولانی شدن نامعقول و غیر متعارف جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی است و آیین دادرسی به معنای اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها است که در فقه به آن علم القضاء گویند. دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیات و اقداماتی است که به قصد پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود. مانند: مجموعه مقرراتی که برای گرفتن یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود، یا دادرسی به مفهوم احضار رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه یعنی ادعاهای، ادله، استدلال و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ خواننده، در جهت صدور رای قاطع است. اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت‌گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده‌ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین امر امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است. همچنین حجم بالای کار موجب شده قضات و کارمندان آن چنان که شایسته است نتوانند پرونده‌ها را با صرف وقت و دقت نظر کافی مورد رسیدگی قرار دهند و نیز نظارت بر کار قضات با چالش‌های جدی مواجه است. تأخیر در احقاق حق خود نوعی بی‌عدالتی و مغایر اصول دادرسی عادلانه است که در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است. وانگهی تجربه نشان می‌دهد که اطاله دادرسی بر صدور صحیح آراء نیز تأثیرگذار بوده و چنین آرائی با اشکالات عدیده همراه هستند. عواملی که ممکن است در اطاله دادرسی سهیم باشند بسیار است. برای مثال علاوه بر مسائل

^۱ - دارای مدرک - mba حقوق از موسسه آموزش عالی ترجمان علوم

Hosein.mokhtari.5365@gmail.com

حقوقی صرف و به ویژه اشکالات و کاستی های آئین دادرسی و سازمان قضایی، وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سطح سواد و معلومات نیز هر کدام ممکن است بر اطلاع دادرسی تأثیرگذار باشند. این عوامل را می توان به عوامل حقوقی و غیرحقوقی تقسیم بندی کرد. نقش قانون و قانونگذار در تسریع دادرسی انکارناپذیر است. از یک سو درک صحیح تحولات اجتماعی و نیازهای جامعه و متعاقباً وضع قوانین مناسب تا اندازه قابل توجهی اختلافات و دعاوی را کاهش می دهد و از سوی دیگر در کنار کاستن از میزان دعاوی، وضع قوانینی که موجب می شود در صورت بروز اختلاف، دعوا در کوتاه ترین زمان ممکن مختومه شود می تواند تأثیر بسزایی در کاهش اطلاع دادرسی ایفا کند. لذا ضرورت رفع این معضل کهنه و قدیمی و درمان آن باید در اولویت های مهم مسوولان قضایی قرار گیرد تا با استفاده از نظریات اندیشمندان علم حقوق و تلفیق آن با رهنمود های صاحبان تجارب قضایی گام های اساسی در این راه برداشته شود. (سامع، 1396: 47) اطلاع دادرسی یکی از مشکلات اساسی تشکیلات قضایی ایران است که اگر پیشینه این مهم مورد بررسی و کنکاش دقیق قرار گیرد از زمان پایه ریزی دستگاه عدلیه در ایران سابقه دارد که افزون بر ارباب رجوع، مدیران و قضاوت، کارکنان این دستگاه سترگ را نیز سخت آزار داده و می دهد. بنابراین اطلاع دادرسی از دغدغه های اولیه تمامی مسوولان وقت قضایی بوده و کوشش وافر داشته اند که این معضل کهنه و لاینحل تشکیلات قضایی را که چونان زخمی کهنه بر بدنه تشکیلات قضایی ایران خودنمایی می کند به هر نحو ممکن مهار و درمان کنند. در این راستا حقوقدانان و صاحبان تجارب علم قضا نیز در این وادی به لحاظ احساس مسئولیت و همدردی؛ چه از دید تئوری، چه از نظر تجربی مطالبی را مطرح کرده اند که اگر تئوری و تجربی با یکدیگر تلفیق می شدند و مورد بهره برداری قوه مقننه قرار می گرفتند شاید اکنون با معضلی به نام اطلاع دادرسی روبه رو نبودیم، اما با این وجود به درستی عوامل اطلاع دادرسی چیست؟ وظیفه محاکم قضایی از زمان تسلیم شکایت یا تقدیم دادخواست آغاز شده و قبل از آن وظیفه خاصی که به اطلاع دادرسی مربوط می شود به عهده آنان نیست. شکایت و اعلام جرم و دادخواست نقطه آغاز جریان دادرسی است، بنابراین تدوین و نگارش صحیح و رعایت اصول این اقدام که در مواد 51، 53 و 54 قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره شده است می تواند از تأخیر در رسیدگی تا حدی جلوگیری کند. پس از تقدیم دادخواست یا ثبت آن، مرحله دادرسی شروع می شود. پس از شروع تا ختم رسیدگی، حوادثی اتفاق می افتد که موجب طولانی شدن دادرسی می شود. شاید تصور کنیم که فقط تلاش های قاضی پرونده است که عدالت را به اجرا و ظهور می رساند ولی در کنکاشی دقیق مبرهن است که در کنار قاضی، افراد و نهادهای دیگر تأثیرگذاری هم هستند که به نوعی همراه و همکار و عصای دست اویند. استفاده از ضابطان مجرب و کارکنان بصیر و توانا می تواند زمینه تکمیل پرونده و تسریع در رسیدگی و صدور اجرای حکم را برای قاضی تسهیل کند. (یعقوبی، 1386: 32) یکی از ارکان تاسیس شده جهت بهبود موضوع اطلاع دادرسی، شورای حل اختلاف است. شورای حل اختلاف بر اساس آیین نامه اجرایی ماده 189 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکمه قضایی و در راستای توسعه مشارکت های مردمی، جهت رفع اختلاف محلی و حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند یا ماهیت آن پیچیدگی کمی دارد، تاسیس گردید (ایزدی فرد و یوسفی آهنگر کلایی، 1383). در حقیقت تشکیل شوراهای حل اختلاف و استفاده از مشارکت های مردمی و اصلاح ذات البین توسط مردم در این راستا بوده است که بسیاری از پرونده ها توسط مردم با کدخدامنشی و پا درمیانی افراد موجه جامعه به صلح و سازش منتهی و ریشه عداوت و نزاع کنده شده و در نتیجه از حجم ورودی پرونده های دادگستری کاسته شود. با تشکیل شوراهای حل اختلاف به نحو قابل توجهی از مراجعات مردم به دادگستری ها کاسته شده و بسیاری از دعاوی مردم در این شوراها یا منجر به صلح و سازش شده و یا اینکه این دعاوی توسط افرادی که از بین خود مردم انتخاب شده اند حل و فصل می گردد (مسقطی، 1395). در این پژوهش عملکرد شوراهای حل اختلاف از نظر اطلاع دادرسی مورد بررسی قرار می گیرد. به این منظور دعاوی ارجاعی به این نهاد در دو بخش عمده حقوقی و کیفری مورد توجه هستند. هم چنین با توجه به پرونده های کیفری و حقوقی، این نوع پرونده ها نیز مورد بررسی قرار می گیرند. علاوه بر هدف اصلی پژوهش مبنی بر بررسی عملکرد شوراهای حل اختلاف در کاهش اطلاع دادرسی که شامل کلیه دعاوی حقوقی و کیفری می شود، این پژوهش به بررسی عملکرد مذکور در دسته های فوق نیز خواهد پرداخت. جهت تحقق اهداف، دادگستری حوزه لواسانات و رودبار قصران مورد مطالعه ای انتخاب شده است و تحلیل فرضیه های پژوهش بر اساس سوالات مذکور، بر مبنای داده های جمع آوری شده از مطالعات دیگر صورت می گیرد. این پژوهش با هدف بررسی امل و تدابیر تأثیرگذار شوراهای حل اختلاف بر کاهش اطلاع دادرسی صورت خواهد پذیرفت و سئوال های اساسی این پژوهش آنست که عوامل تا چه میزان توسعه کمی نیروی انسانی شوراهای حل اختلاف بر اطلاع دادرسی تأثیر گذار است؟ تا چه میزان توسعه کیفی نیروی انسانی شوراهای حل اختلاف بر اطلاع دادرسی تأثیر گذار است؟ تا چه میزان اصلاح مقررات و قوانین شوراهای حل اختلاف بر اطلاع دادرسی تأثیر گذار است؟ تا چه میزان اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی (توسعه هرچه بیشتر شوراهای حل اختلاف) بر اطلاع دادرسی تأثیر گذار است؟

دیدگاه های رفع اطلاع دادرسی

در چهار چوب برنامه توسعه قضایی کشور، توجه زیادی به رفع معضل کمبود نیروی انسانی و بالا بردن معلومات و سطح آموزش قضات شده است که در ادامه به بررسی این تلاش‌ها می‌پردازیم. تلاش‌های قوه قضاییه در این زمینه از جهت توسعه کمی نیروی انسانی و توسعه کیفی نیروی انسانی قابل توجه است.

توسعه کمی نیروی انسانی

با آغاز به کار ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی در قوه قضاییه تلاش گسترده‌ای برای اختصاص منابع مالی لازم برای استخدام بیشتر نیروی انسانی در دادگستری آغاز شد که ثمره آن افزایش تعداد قضات و کادر اداری دستگاه قضایی در سال‌های اخیر است.

افزایش تعداد دارندگان پایه قضایی

دارندگان پایه قضایی در واقع کسانی هستند که به عنوان قاضی در دستگاه قضایی استخدام شده‌اند هر چند ممکن است مستقیماً در شعب دادگاه‌ها و دادرها مشغول به کار نباشند. برای مثال، علاوه بر دادیاران و بازپرسان، معاونان دادستان که سرپرست دادرهای هر ناحیه هستند نیز دارای پایه قضایی هستند. همچنین معاونان قضایی رییس دادگستری هر شهرستان، مانند معاون ارجاع نیز باید دارای پایه قضایی باشند، هر چند که ممکن است در دوران تصدی این سمت‌ها مستقیماً در امور قضایی مداخله ننمایند. دارندگان پایه قضایی ستون اصلی دستگاه قضایی هستند، زیرا تصمیمات راجع به حقوق مردم را این افراد اتخاذ می‌نمایند. در سال‌های اخیر تعداد قضات و دارندگان پایه قضایی به شکل چشم‌گیری افزایش یافته و تعداد زیادی از دانش‌آموختگان جوان و متعهد دانشکده‌های حقوق کشور، به منظور خدمات در دستگاه قضایی کشور به استخدام قوه قضاییه درآمده‌اند و این روند نیز همچنان ادامه دارد. جذب دانش‌آموختگان نخبه رشته حقوق یکی از سیاست‌های کلی قوه قضاییه محسوب می‌شود. مهم‌ترین عامل اطلاع دادرسی عوامل انسانی است و مهم‌ترین علت اشتباهات فردی قضات نیز بالا بودن حجم کار قضات است. در حالی که از نظر استانداردهای جهانی هر قاضی حداکثر باید به دو یا سه پرونده در هر روز رسیدگی کند (اعم از رسیدگی در جلسه محاکمه، اجرای قرار، وقت نظارت، انشاء رأی و...) در برخی شعب محاکم قاضی مجبور است روزانه تا 20 پرونده را مطالعه نماید و تصمیمات لازم را در مورد آن اتخاذ نماید و نتیجه چنین تصمیمات عجولانه‌ای اگر موجب تضییع حقوق اصحاب دعوی نگردد، حداقل ضرر آن تجدید بی‌مورد جلسات رسیدگی و اطلاع دادرسی است. افزایش تعداد قضات می‌تواند به راه اندازی شعبات بیشتری در دادگستری‌ها منجر شود و در نتیجه تعداد پرونده‌های ارجاع شده به هر شعبه را کاهش می‌دهد که مستقیماً به کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها منجر می‌شود. البته استخدام این تعداد از قضات، به لحاظ بار مالی و لزوم طی مراحل دشوار گزینش قضات و سپس نظارت دقیق بر عملکرد آن‌ها، مستلزم فراهم آمدن امکانات مالی و مدیریتی بسیاری است که با پیگیری‌ها و مطالبات مستمر رئیس قوه قضاییه و عنایت ویژه مقام معظم رهبری، تاکنون محقق شده است به گونه‌ای که در بدترین شرایط اقتصادی کشور نیز که هرگونه استخدام قراردادی در دستگاه‌های دولتی ممنوع بوده، قوه قضاییه از اجازه استخدام رسمی نیروی انسانی برای تصدی پست قضاوت برخوردار بوده است. در طول سال‌های گذشته آزمون جذب قضات از میان کارکنان واجد شرایط دادگستری بارها انجام پذیرفته است و حتی جذب قاضی از میان فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و نیز فقه و حقوق دانشگاه‌های کشور که مدتی تعطیل شده بود نیز، مجدداً از سال 1387 با اصلاحاتی از سرگرفته شد. (مهراپی، 1394: 25).

اصلاح قوانین شکلی

قوانین مربوط به آیین دادرسی، چه در امور کیفری و چه در امور مدنی، از آنجایی که بیان‌کننده بخش عمده‌ای از تشریفات دادرسی در دادگستری هستند، تأثیر مستقیم و بیشتری بر زمان دادرسی دارند. در واقع رفع اشکالات قوانین مرتبط با آیین دادرسی، کلید حل بخش عمده‌ای از معضل اطلاع دادرسی در ایران است. در همین راستا، اقدامات زیر در جهت اصلاح قوانین در حوزه آیین دادرسی انجام شده است.

آیین دادرسی کیفری

در زمینه اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری در قوه قضاییه اقدامات بسیار خوبی انجام شده و در حال انجام است که به برخی موارد از این اقدامات در این بند اشاره می‌نماییم. احیاء دادرها، تشکیل دادگاه‌های حقوقی و کیفری، تشکیل دادگاه‌های کیفری استان و تدوین پیش نویس قانون جدید آیین دادرسی کیفری از اقداماتی است که در زمینه اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری انجام شده است.

احیاء دادرها

همان‌طور که در فصل پیشین توضیح داده شد، حذف دادسراها و واگذاری صلاحیت‌ها و مأموریت‌های آن به دادگاه‌ها، در رابطه با تراکم پرونده‌ها در دستگاه قضایی و اطلاع دادرسی فاجعه بار بود و تصور خلاصی از وضع اسفناک ناشی از این اقدام برای حقوقدانان و قضات کشور دشوار می‌نمود. در واقع امید چندانی به امکان بازگشت به وضع سابق و احیای دادسراها در ضمیر فعالان حقوقی کشور وجود نداشت؛ زیرا تغییر و تحول اساسی در نظام دادرسی کشور و تقسیم مجدد قضات در دادگاه‌ها و دادسراها و ایجاد تشکیلات منظم دادسرا و دادستانی در تمامی نقاط کشور، آن هم به فاصله چند سال از حذف دادسراها و متراکم شدن پرونده‌ها در شعب دادگاه‌های عمومی، به انقلابی مدیریتی و زیربنایی نیازمند بود که اداره و رهبری آن از عهده کمتر کسی ساخته بود. با روشن شدن آثار و تبعات حذف دادسرا و با درک عمیق معضلات ناشی از انحلال دادسراها و در شرایطی که وضعیت دستگاه قضایی کشور بسیار آشفته شده بود، قوه قضاییه تصمیم به احیای دادسراها و تحمل فشار مدیریتی سنگین ناشی از این تحول اساسی در نظام دادرسی کشور گرفت. تشکیل دادسرا و اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اقدامی بسیار بزرگ در تحول قضایی کشور محسوب می‌گردد که تبعات مثبت آن بر هیچ کس پوشیده نیست. پیشنهاد احیاء دادسرا از سوی قوه قضاییه که با استقبال و حمایت شدید مجامع حقوقی و محافل علمی کشور روبرو شد، در نهایت به تصویب اصلاحات مورخ 1381/7/28 در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی انقلاب یا همان قانون احیای دادسراها منجر گردید. آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز در تاریخ 1381/11/19 گردید و بدین ترتیب انقلابی با عنوان احیای دادسرا در نظام دادرسی کشور به وقوع پیوست. نکته قابل توجه این که تشکیلات عظیم دادسرا در مدت بسیار اندکی پس از تصویب قانون آن به تدریج در سراسر کشور ایجاد شد به گونه‌ای که در کمتر از سه سال در کنار هر حوزه قضایی، دادرسی عمومی و انقلاب نیز تشکیل شد. (ابراهیمی، 1397: 22)

تشکیل دادگاه‌های حقوقی و جزایی

چنانکه بیان شد یکی از مهم‌ترین معضلات ساختار قضایی کشور تشکیل دادگاه‌هایی با صلاحیت عام بود. رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و جزایی به صورت توأمان وقت بسیاری از قضات را هدر می‌داد. در شرایطی که بایستی رسیدگی به پرونده‌های کیفری با سرعت بیشتری پیگیری می‌شد، این پرونده‌ها نیز همانند پرونده‌های حقوقی مدت‌ها در نوبت رسیدگی قرار می‌گرفتند و چه بسیار متهمانی که به دلیل عجز از تودیع وثیقه مجبور بودند، مدت طولانی را برای نوبت رسیدگی در بازداشت بمانند. مراجعه به قوانین کیفری و حقوقی دشواری‌های بسیاری را برای قضات ایجاد نموده بود که حداقل مشکل آن اطلاع دادرسی بود. تفکیک دادگاه‌های عمومی حقوقی و جزایی از یکدیگر نیز به موجب اصلاحات سال 1381 انجام پذیرفت. به موجب ماده 4 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب «هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه‌های جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود. تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه است. در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود.» تفکیک شعب حقوقی و جزایی نیز به سرعت در محاکم کل کشور اعمال گردید و تخصصی شدن دادگاه‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت که در جای خود مورد بررسی قرار گرفت. تفکیک شعب حقوقی و جزایی در کنار احیاء دادسرا سبب شد، پرونده‌های کیفری با سرعت بیشتری مورد رسیدگی قرار گیرند و در نتیجه اطلاع دادرسی در زمینه پرونده‌های کیفری به حداقل ممکن کاهش یافته است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد مشکل اطلاع دادرسی در بخش پرونده‌های کیفری تا حدود بسیار زیادی مرتفع شده است. (امین، 1397: 43)

محدودیت‌های پژوهش: همکاری بسیار نامناسب دادگستری، در صدور مجوز جهت مصاحبه اکتشافی در این سازمان می‌باشد. کمبود شدید منابع و سوابق پژوهشی دقیقاً مرتبط با موضوع پژوهش. گستردگی جامعه آماری که شامل (قضات، کارشناسان و وکلای) می‌باشد که در زمینه مصاحبه اکتشافی محقق دارای مشکلات فراوانی مانند در دسترس نبودن، تداخل با ساعات کاری و... دست و پنجه نرم کرده است.

پیشنهادها: ایجاد دادگاه‌های موقت: یکی از مشکلات اکثر نظام‌های قضایی جهان در مورد علل اطلاع دادرسی، وجود پرونده‌ها متعدد و انباشته شدن آنها در دادگاه‌ها در وقت رسیدگی می‌باشد. برای حل این معضل، مسئولین قضایی کشور قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را بعد از تصویب مجلس اجرا نمودند. این قانون نه تنها مشکل راحل نکرد، بلکه معضلات دستگاه قضایی را دو چندان کرد. به نظر می‌رسد با ایجاد دادگاه‌های موقت تا حدودی بتواند اطلاع دادرسی را از بین برد. چنین دادگاه‌های موقتی ایجاد شوند که تعداد زیادی پرونده در وقت رسیدگی قرار گرفته باشند. دادگاه‌های موقت مخصوصاً در مواقعی مفید هستند که نرخ رسیدگی و خاتمه پرونده بالا بوده، اما تعداد پرونده‌های ارجاعی به شعب در حال افزایش باشد. در چنین مواردی ممکن است قضات بازنشسته در دادگاه‌های موقت بکار گرفته شوند تا تعداد پرونده‌های ارجاعی را کاهش دهند بدون اینکه مستلزم هزینه‌های ثابت دایمی در آینده باشند. رسیدگی در خارج از نوبت به دعوی: رسیدگی در خارج از نوبت به دعوی: رسیدگی در خارج از نوبت به دعوی که کم اهمیت محسوب می‌شوند و ایجاد دادگاه‌های دعاوی کوچک برای آنها مثل دعاوی تصرف عدوانی، برخی دعاوی مطروحه در مراجع قضایی چنان کم اهمیت هستند که به سادگی و در کمترین زمان ممکن می‌توان به آنها رسیدگی

کرد. مثل دعاوی که موضوع آنها مطالبه مقدار اندکی پول است. گاهی برخی از دعاوی کم اهمیت و دارای مبالغ پایین نیستند اما از موضوعات ساده و غیر پیچیده محسوب می شوند که طی یک جلسه قابل رسیدگی بوده و مقررات حاکم بر آنها نیز روشن است مانند اغلب دعاوی چک. در هر رسیدگی خارج از نوبت به این اختلافات سبب می شود که تعداد زیادی از پرونده ها بفوریت رسیدگی شوند و قضات زمان اصلی رسیدگی را به پرونده هایی اختصاص دهند که پیچیده بوده و رسیدگی آنها نیاز به بررسی و پژوهشات گسترده تری دارد. -پیش بینی راهکارهای مناسب جهت نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد قضات و کارمندان و دیگر افراد مرتبط با دادگستری، نظیر ضابطان و کارشناسان دادگستری. -اعمال اصل شایسته سالاری در ارتقای سمت ها و تعیین مدیران و روسای دادگستری ها- توسعه کیفی نیروی انسانی. -اصلاح فرایندهای رسیدگی. -اصلاح مقررات و قوانین. -اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی. -توسعه کمی نیروی انسانی.

منابع و مأخذ:

- اصغرزاده بناب، مصطفی (1383)، شرح تفصیلی وظایف و تکالیف قانونی مدیران دفاتر، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- آشوری، محمد (1388)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت.
- حسن زاده، فریدون (1397)، رویکرد آیین دادرسی کیفری در اطلاع دادرسی های جزایی، تهران، انتشارات سنجش و دانش.
- خالقی، علی (1394)، نکته های آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات خرسندی.
- دارایی، محمد هادی (1390)، علل اطلاع دادرسی، تهران، نشر کمیل.
- زارعی، ارسلان (1395)، عوامل مؤثر بر اطلاع دادرسی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرنگ، محمد (1381)، تحول نظام قضایی ایران از مشروطه تا سقوط رضاشاه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ج 1.
- سامع، علی (1396)، اطلاع دادرسی در نظام قضایی ایران، تهران، انتشارات آثار اندیشه.
- سهراب بیگ، امیر (1396)، راهکارهای غلبه بر اطلاع دادرسی، تهران، انتشارات قوه قضاییه.
- صاحبی، مهدی (1385)، علل اطلاع دادرسی در ایران، تهران، نشر آوای نور.
- گروه توسعه قضایی (1389)، راهکارهای علل و عوامل توسعه قضایی، تهران، انتشارات قوه قضاییه.
- مهاجری، علی (1387)، رسیدگی های خارج از نوبت در محاکم عمومی، گنج دانش، تهران، چاپ اول.
- ابراهیمی، زین العابدین (1397)، بررسی علل اطلاع دادرسی در محاکم عمومی، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره 32.
- امین، سید محسن (1397)، اطلاع دادرسی و نظام قضایی در ایران، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، شماره 12.
- تیموری، بابک (1396)، نقش سازمان ثبت در توسعه قضایی و قضازدایی با تاکید بر دستورالعمل های طرح جامع رفع اطلاع دادرسی، تهران، دانشگاه تربیت معلم، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- جویباری، محمد (1385)، عوامل انسانی اطلاع دادرسی در امور کیفری، تهران، نشریه دانشگاه خوارزمی.
- جهاندار، مهدی (1395)، عوامل انسانی اطلاع دادرسی در امور کیفری، تهران، نشریه پژوهشات حقوقی، شماره 49.
- حسینی، علیرضا (1381)، نقش وکلا و مشاوران حقوقی در روند تسریع دادرسی، نشریه وکالت، شماره 11، خرداد و تیر 81.
- دادگر، سید محسن و کریمی، قوام (1395)، بررسی اطلاع دادرسی در نظام حقوق ایران، تهران، کنفرانس جهانی حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
- دهقان، ناصر (1390)، علل اطلاع دادرسی و راههای رفع آن، قاضی دادگستری شیراز کار پژوهشی ارائه شده به دادگستری استان فارس.

- رجبی تاج، ابراهیم و رضوی، محمد (1395)، بررسی نقش ضابطان عام دادگستری بر اطاله دادرسی (علل و راهکارها)، تهران، مجله علمی و پژوهشی دانش انتظامی، شماره 71.
- زارعی، ارسلان (1397)، رویکرد لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه اطاله دادرسی، شیراز، دانشگاه شیراز، مجله علمی و پژوهشی دانشکده حقوق.
- سعید، شاهرخی، (1394)، راه‌های پیشگیری از اطاله دادرسی در امور کیفری، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، مجله دانشکده حقوق و معارف اسلامی.
- سامی، عبدالله (1389)، تجارت الکترونیکی و دعاوی حقوقی، اطلاعات، 1379/12/18.
- سیاست روز (1380)، اطاله دادرسی و علل آن، نشریه سیاست روز، مورخه 80/10/9.
- عارفی، علی (1393)، راه‌های پیشگیری از اطاله دادرسی در امور کیفری، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، مجله دانشکده حقوق و معارف اسلامی.
- علیپور، مریم (1395)، نقش قاضی در اطاله دادرسی، شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- قریب‌پور، داوود (1395)، راهکارهای کاهش اطاله دادرسی کیفری با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، تهران، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کوشا، جعفر و بارانی، محمد و مرادخانی، مهرداد (1398)، عوامل سازمانی مؤثر بر اطاله دادرسی در تشکیل پرونده‌های قضایی در کلانتری‌ها، تهران، مجله پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، شماره 75.
- کاتوزیان، ناصر (1383)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنام، تهران، چاپ چهل و دوم، 1383.
- گلدوست، رجب و اکبری، جهاندار (1396)، عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری، تهران، مجله علمی و پژوهشی وزارت علوم و فناوری، شماره 49.
- محمدی، پریزاد (1397)، اطاله دادرسی، تهران، چهارمین کنفرانس ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات حقوقی.
- محمودی، فریبا (1397)، اداره ادله در دادرسی با رویکرد منع از اطاله دادرسی، تهران، مجله علمی و پژوهشی وزارت علوم و فناوری، شماره 55.
- مداح، محمد (1385)، مدیریت قضایی پرونده، نشریه مآوی، شماره 529، مورخه 85/2/10.
- مرتضوی، میرمحمد حسین (1390)، نظرات اصلاحی درباره دادگستری، نشریه کانون وکلای دادگستری آذربایجان به مناسبت ششمین سال استقلال کانون وکلای دادگستری.
- مهدوی، صدیقه (1394)، بررسی نقش دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در رفع اطاله دادرسی، تهران، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی.
- مهرابی، علی (1394)، قضات و کاهش اطاله دادرسی، یاسوج، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- مؤذن زاده، حسنعلی (1389)، تأثیر عوامل انسانی بر اطاله دادرسی و اجرای احکام در محاکم عمومی ایران، تهران، نشریه حقوق و قضاوت.
- ناصری، حسین (1396)، مشکلات و عوامل ریشه‌ای اطاله دادرسی، تهران، نشریه قضاوت، شماره 42.
- نصر، مریم (1394)، بررسی علل اطاله دادرسی ناشی از اصحاب دعوا، تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.
- یعقوبی، علی (1386)، سیدمحمدرضا، اطاله دادرسی در محاکم حقوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع).
- ابراهیمی، زین‌العابدین (1379). " بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم عمومی جمهوری اسلامی ایران ". مجله حقوقی دادگستری، شماره 32: 168-173

ایزدی فرد، علی اکبر؛ یوسفی آهنگرکلایی، علی(1383). ملاحظاتی پیرامون شورای حل اختلاف. مقالات و بررسی ها. دوره 37، شماره دفتر 76 (3) فقه

بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها؛ ترجمه : اردبیلی، محمد علی، چاپ بیست و سوم، انتشارات میزان 1385

جعفری لنگرودی (1379).، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش نامه تهران

خسروی، شاپور(1393). علل اطاله دادرسی و راهکارهای مقابله با آن، موسسه خانه حقوق آریا.

رفیعی طباطبایی، سیدحسام الدین؛ دارابی، ایمان. (1398). بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی با مطالعه موردی بر دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال 1396. تمدن حقوقی، دوره پنجم، شماره 2.

رفیعی طباطبایی، سیدحسام الدین(1398). بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر ایشان بر کاهش اطاله دادرسی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های دینی، علوم فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام

شریفی مقدم، میلاد(1399). بررسی عملکرد آماری شوراهای حل اختلاف. فصلنامه قضاوت، شماره 102.

فتحی، حجت الله(1384). نقد و بررسی شوراهای حل اختلاف. نشریه فقه و حقوق ؛ شماره 4

کامکار، نرگس(1394). عملکرد شورای حل اختلاف منطقه یک استان تهران در امور حقوقی با نگاه میدانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شهر قدس، دانشکده علوم انسانی.

گلدوست جویباری رجب، اکبری، جهاندار(1388). " عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری ". مجله تحقیقات حقوقی. شماره 49 ؛ 320-281

محمدی، پریراد، (1397). اطاله دادرسی، چهارمین کنفرانس ملی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات مدیریت، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت های فرهنگی و اجتماعی جامعه

مسقطی، عبدالخالق(1395). بررسی تحلیلی عملکرد و نقش شوراهای حل اختلاف. اولین همایش منطقه ای عملکرد و جایگاه شوراهای حل اختلاف،سقز.

موزن زاده ،حسنعلی(1395).، عدالت در دادرسی بنیان های نظری ملاک های علمی دادگستری، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتمادم شماره ۵۶

یاری نیک، احمدالله؛ شعبان نیا، منصور(1399). تأثیر دفاتر خدمات الکترونیک قضایی بر کاهش اطاله دادرسی. فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق. شماره 8؛ 69-111.

Title:

The effect of the performance of the dispute resolution council on the delay of proceedings in legal and criminal cases

Abstract:

One of the problems that Iran's judicial system is dealing with is the delay of proceedings and its problems. If we want to examine the background of this problem, we must go back to the same time when the judicial system and courts of Iran were established. This problem not only hurts and bothers the parties of a lawsuit or complaint, but also causes the employees and judges of the system to suffer. . One of the factors that caused the delay of the proceedings and it can be said that it is the most important factor Its creation is also due to the large number of cases presented in judicial authorities. The problem of delaying the proceedings in the judicial system of our country must be solved by the head of the judiciary and a good solution should be thought

out to solve it. Other factors that may cause the delay of the proceedings in the case are the actions of the litigants and Failure to obtain a lawyer or consult with legal counsel. The purpose of this research was to investigate the effect of the dispute resolution council on the delay of proceedings in legal and criminal cases, which was done descriptively and quantitatively. Reducing the delay of proceedings and peace and compromise between the parties are other goals of these councils. including merits Dispute resolution councils: reducing people's referrals to judicial courts, resolving local disputes, resolving matters that are not of a judicial nature or of less judicial nature, preventing the prolongation of cases, non-observance of procedural formalities, peace of conscience, Preservation of client personality and disadvantages of dispute resolution councils: the principle of judicial independence, the principle of judicial immunity, the principle of judge expertise, the compulsion to refer to these councils, the selection of members of the councils, the ability to change the members of the dispute resolution council.

Keywords: dispute resolution council; Procrastination of proceedings, legal and criminal cases.